

آموزش شیوه‌های نگارش خلاق

■ قلندر روستایی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و سرگروه ادبیات منطقه چاروسا (کهگیلویه)

■ محمد صالح نسب

کارشناس ارشد و سرگروه زبان و ادبیات فارسی استان کهگیلویه و بویراحمد، مدرس دانشگاه

چکیده

■ امروزه اجتماع ما نیاز مبرم به توسعه و تعالی فرهنگ را احساس می‌کند. نگارش در نوع خاص خود، اصول نوشتن متن، نامه‌نگاری‌ها و مقالات مختلف را به ما یاد می‌دهد و نگارش خلاق ارتباط معنی‌دار بین چند چیز را میسر می‌گرداند؛ مثل افتادن سیب و به وجود آمدن قانون نیوتن، نگارش خلاق، حس نوشتن، مشاهده خوب، پرهیز از باور بد بودن نوشته و غلبه بر ترس، شاد نوشتن، درک زبان، نوشتار تصویری، اعتدال نوشتاری، توجه به مردم، جامعه، ایمان و اعتقاد آنان را در برمی‌گیرد. معلم ادبیات باید تصور ریاضی‌وار «یک سر و هزار سودا» را جهت ایجاد روحیه نوشتاری خلاق را در نوشته دانش‌آموزان، از ذهن و فکر خود کنار بزند.

کلیدواژه‌ها: شیوه، آموزش، نگارش خلاق

مقدمه

اگر نه مد بسم‌الله بودی تاج عنوان‌ها نگشتی تا قیامت نو خط شیرازه دیوان‌ها امروزه اجتماع ما نیاز مبرم به توسعه و تعالی فرهنگ و دانش را در همه زمینه‌ها احساس می‌کند. دست یافتن به این امر خطیر، به دست و پای هیچ معرفتی صورت نمی‌گیرد؛ جز اینکه آموزش شیوه‌های نگارش خلاق را با شعر حافظ، پند سعدی، عرفان مولوی، عطار و دیگر نام‌آوران و پیامبران عرصه ادب در مخیله خود بگنجانیم. پس نمی‌توان پذیرفت که:

سخن هر چه بوده‌ست همه گفته‌اند
بر و بوم دانش همه رفته‌اند
بلکه باید با صائب همراه شد که می‌گوید:
یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت
در بند آن مباش که مضمون نمانده است
نباید منکر تألیف و نگارش زیبا و خلاقانه
شد، بلکه باید با بیهقی همراه شد که
می‌گوید: «هیچ نوشته‌ای نیست که به
یک بار خواندن نیرزد». درس نگارش
در نوع خاص خود اصول نگاشتن متن،
نامه‌نگاری‌ها و مقالات مختلف را به ما یاد
می‌دهد که هیچ‌کس نمی‌تواند کباده بیرون
کشیدن خود را از زیبا حرف زدن انکار
نماید و سکوت اختیار کند. آموزش نگارش
خلاق، دانش‌آموزان را آماده می‌سازد که
روزی لفظ‌های زیبا را که از لطافت آن‌ها
جان کند حضور کنار نگذارند.

همان‌گونه که خداوندگار عشق و عرفان،
مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، می‌گوید:

مشتري علم تحقیقی حق است
دائماً بازار او با رونق است
نیاز به تحقیق و پژوهش با تغییر کتاب‌های
نونگاشت در جهت هماهنگی و همسویی
معلمان و دانش‌آموزان در تدریس ضروری
است تا اینکه کمک‌های لازم در تفهیم و
تفاهم بیشتر آنان و رابطه با نگارش خلاق
فراهم گردد. هر چند در راستای دستیابی
و تدریس بهتر در زمینه مهارت نوشتن
و تدریس دوره دبستان «فاطمه باقری»
کاری انجام داده یا کانون فرهنگی آموزش
(قلم‌چی) راهکارهای خلاقانه در زمینه

تقویت انشای دانش‌آموزان را نوشته است
ولی در زمینه کتاب نونگاشت ادبیات،
به‌ویژه نگارش، کار جدیدی صورت نگرفته
است. بر این اساس، نگارندگان بر آن
بوده‌اند که با یاری جستن از درگاه حق،
اصول و شیوه‌های نگارش خلاق را در
جهت یاددهی و یادگیری بهتر معلمان و
دانش‌آموزان براساس تحقیق و توصیف
به‌صورت موضوعی بیان کنند. امید است
که رضایت خوانندگان گرامی حاصل شود
و ما سهم کوچکی از دین خود را ادا نموده
باشیم؛ به استناد از شوریده‌غزنه، سنایی
غزنوی، می‌گوییم:

به حرص ار شربت خوردم، مگیر از من
که بد کردم
بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا

بیان مسئله

توانایی در نوشتن برای همه و در حد
گسترده و خلاقانه برای قشر فرهیخته لازم
و ضروری است. نویسندگی هنری است که
می‌تواند مفاهیم ذهن نویسنده را بهتر و
گیرا تر به ذهن خواننده یا شنونده برساند.
پس آموزش با یادگیری و یاددهی رابطه و
پیوندی تنگاتنگ دارد و یک ارتباط دوسویه
است. معلمان و دانش‌آموزان جهت دست
یافتن به رویکرد آموزش نگارش خلاق
مواردی را باید مدنظر قرار دهند که این امر
مستلزم رعایت اصولی است که موفقیت و
پیروزی آنان در گرو عمل نمودن به چنین
شیوه‌هایی است. این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

اعتدال نوشتاری	متن تصویری	خوب دانستن زبان	آمیختن باچاشنی طنز	زودودن ترس	مشاهده خوب	حس نوشتاری	خلاقیت و آزادی عمل
----------------	------------	-----------------	--------------------	------------	------------	------------	--------------------

می‌داند. صادق چوبک اولین کتاب‌هایش را سوزاند. برای شروع کار، تلاش می‌کنیم حس نوشتن را در دانش‌آموزانمان به وجود بیاوریم تا یاد بگیرند و نیازمند نوشتن شوند. چه‌بسا که دانش‌آموزان ما و شما با نوشتن توأم با حس خود، «مسئله‌آموز صدها مدرس» شوند.

مشاهده خوب

مشاهده خوب یکی از راه‌های پرورش نگارش خلاق است. صحنه‌ها و مظاهر سر راهمان را پیوسته می‌بینیم ولی برحسب عادت از کنارشان رد می‌شویم. صحنه‌هایی هستند که گاهی درون سینه‌هایمان را پر از حسرت می‌کنند مشاهده یک جشن، یک حادثه می‌تواند تحول‌آفرین باشد. وقتی نمی‌توانیم به آنچه مشاهده نموده‌ایم خوب بگیریم، بهتر است حرف بزیم. حرفی که مولوی نتوانست آن را در گلوبش سخت بفشارد بلکه تلاش کرده است تا به قول دکتر شریعتی «خواب خفتگان خفته را بیدارتر سازد و بدین‌سان بشکند بر آنان سکوت مرگبارشان را».

مولوی هم سینه‌اش را صاف و حرفش را شروع می‌کند. دیده‌هایش را با تخیل درمی‌آمیزد و می‌گوید:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند
از جدایی‌ها شکایت می‌کند

کز نیستان تا مرا ببریده‌اند

از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

تا می‌رسد به آنجا که می‌گوید:

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

تا بگویم شرح درد اشتیاق

باید دانست که گاهی چیزهایی در ذهنمان وجود دارد که وقتی آن‌ها را می‌نویسیم، می‌بینیم آنچه می‌خواستیم نیستند. پس اگر به عینه چیزی را ببینیم، بهتر می‌توانیم در موردش بنویسیم. نوشتن کاری است هنری که نمی‌شود آن را به کسی یاد داد بلکه باید به فردی که می‌نویسد گفت: حالا که دیدی و نوشتی، نکات نوشتاری را هم رعایت کن. ما معلمان باید نکات مربوط به نوشتار را به دانش‌آموزان یاد بدهیم و حال آنکه نوشتن را خودشان آغاز نمایند چون ما از آنچه در ذهن دانش‌آموز است خبر

امور معلوم برای یافتن به مجهولات است. نگارش خلاق و تولید متن فرصت مستعد و موقعیت مناسب برای زایش تفکر و پدیدآیی خلاقیت در همه ابعاد است که اول معلمان و سپس دانش‌آموزان را به این امر توصیه باید کرد.

حس نوشتاری

مطالعه و خواندن در بالا بردن سطح سواد

ابزار یک معلم و
دانش‌آموز در نوشتن،
«حس» است. وقتی
حس خوب باشد، واژگان
و جملات خوب ساخته
می‌شوند

مؤثر است و نوشتن و تراوش ذهنی فرزند و زاده خواندن محسوب می‌شوند ولی نگارش و نوشتن حس می‌خواهد. به قول حافظ:
تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي
گوش نامحرم نباشد جاي پيغام سروش
يا به گفته مولوي:

محرم اين هوش جز بيهوش نيست

مر زبان را مشرتري جز گوش نيست

برای انجام دادن هر کاری به ابزار نیاز است. ابزار یک معلم و دانش‌آموز در نوشتن، «حس» است. وقتی حس خوب باشد، واژگان و جملات خوب ساخته می‌شوند. نگارش خلاق به خواندن دائم نیاز ندارد. چه بسیاری کسانی که اهل مطالعه و خواندن‌اند ولی توان و یاری نوشتن ندارند. شاملو آهنگ‌های فراموش شده‌اش را مال خود نمی‌داند و آن‌ها را آغازگر نوشتارش

خلاقیت و آزادی عمل

اولین موضوعی که به نظر می‌رسد در آموزش نگارش خلاق باید به آن توجه کرد، خلاقیت است.

خلاقیت، ایجاد ارتباط معنی‌دار بین دو یا چند چیز بی‌معنی است. خلاقیت از همین جاهایی شروع می‌شود که از نظر ما در ابتدا بی‌معنی می‌نماید؛ مثلاً، مشاهده نیوتن در افتادن سیب از درخت. دنبال علت گشتن وی؛ چرا سیب افتاد؟ ولسی وقتی ارتباط برقرار می‌کند، معنادارترین قانون را در علم فیزیک به ارمغان می‌آورد. ابداعات بشری از همین سؤالات ابتدایی بی‌ربط و بی‌پایه آغاز شده و بعد کاربردی شده‌اند.

در تولید متن هم نمی‌توان از عنصر خلاقیت چشم‌پوشی کرد. بچه‌ها را باید تحریک نمود که با تفکر و ابداع، بین چیزهای بی‌ربط، ربط معنی‌دار به وجود آورند. متن آفرینی به ساماندهی کردن چیزهای پنهان شده از دید ما، ربط دادن آن‌ها و به شگفتی واداشتن مخاطبان نیاز دارد. ذهن خلاق می‌تواند متن خلاق بیافریند و به قول مولوی:

عالم از ما هست، نی ما از او

باده از ما مست شد، نی ما از او

پس ما دبیران باید خلاقیت را به وجود آوریم، نه خلاقیت ما را.

در برابر خلاقیت هرچند ابتدا مقاومت به وجود می‌آید ولی بالاخره مقاومت شکسته می‌شود و بی‌ربط‌ها ربط پیدا می‌کنند و «معنادار» می‌شوند. حسینی‌نژاد می‌گوید: «وقتی موضوعی را به دانش‌آموزان می‌دهیم، باید آن‌قدر آزادی عمل به آن‌ها بدهیم و آن‌قدر احساس خودانگیختگی بکنند که بدون چارچوب‌ها و ملاک‌های از پیش تعیین شده، تعصبات و انتظارات بیرونی، اندیشه خودشان را بیان کنند».

در منطق هم داریم: «التفکر ترتیب الأمور المعلوم لتادی الی المجهول»؛ تفکر، ترتیب

نداریم. دانش آموز نقاشی است که می‌تواند مشاهدات خود را با نوشتن به صورت تابلویی پرراز و رمز بیان کند و تا نخواهد، نمی‌تواند بنویسد.

زدودن ترس

کسانی هستند که قلمشان زیبا، روان و سلیس است و در نوشتار خود سخن را به «آسمان علیین و در عذوبت به ماء معین» می‌رسانند ولی جسارت خواندن نوشته‌های خود را ندارند. عده‌ای هستند که با وجود خوب نوشتن، باور «بد بودن» را در ذهن خویش تصویرسازی می‌کنند و خود را از جمع نویسندگان کنار می‌کشند. هیچ‌وقت این باور غلط را به خود و دانش‌آموزانمان راه ندهیم. هیچ‌گاه تصور نکنیم ما بهترین نویسنده‌ایم؛ چه بسیار نویسندگانی هستند که به روی خود نیاوردند روی «سن» بیایند و گر نه ما در ردیف‌های آخر جای می‌گرفتیم. در نگارش خلاق باید ترس و استرس را که گاهی به خود و دانش‌آموزانمان وارد می‌شود و از خلاقیت جلوگیری می‌کند، به درستی بزدایم.

فکر نکنیم چون قلم در سیر خویش می‌لرزد به خاطر بد نوشتن ماست بلکه این لرزش قلم به خاطر ظلمی است که به واسطه نگاه بدبینانه به نوشته‌هایمان در حق خودمان متصور شده‌ایم. چه بهتر است که خوش‌بینانه نگاه کنی و بدانی که: دانی چرا در سیر خود بر خویش می‌لرزد قلم

ترسد که ظلمی را کند در حق مظلومی رقم نویسنده باید از اینکه با قلمش ظلمی را در حق مظلومی روا دارد، بترسد و از خواندن نوشته خود نترسد؛ چون «ترس برادر مرگ است».

در آمیختن با چاشنی طنز

انسان له شده امروز در زیر چرخ‌دنده‌های اربابه مشکلات دچار روحیه خمودگی، یأس و نومیدی است. اگر اخم و تخم هم با خمودگی و یأس در آمیخته گردد، «یک سر و هزار سودا» می‌شود. معلم ادبیات نیازی نیست «به کی بهتر از کی» توجه کند؛ چون در این صورت، نگاهش به دانش‌آموز

و نوشتار وی ترازویی می‌شود. در نگارش خلاق سعی معلم باید بر آن باشد که از نگاه مجرد و ریاضی‌وار به کار دانش‌آموز و اندازه‌گیری آن بپرهیزد. به قول سهراب: «چشم‌ها را باید شست، جور دگر باید دید» یا به قول آندره ژید: «کاش عظمت در طرز نگاه ما باشد نه در آنچه بدان می‌نگریم». معلم ادبیات باید بگذارد دانش‌آموزش شاد بنویسد و بخنداند. در نگارش، خشکی را به کلاس راه نباید داد. وقتی بعضی‌ها شاد می‌نویسند، بیشتر تشویقشان کنید تا هنر از نگاهشان زاده شود. اگر بتوانیم از بین دانش‌آموزانمان یک نفر نویسنده یا هنرمند تربیت کنیم که بتواند جامعه را با هنرش بخنداند، کار خارق‌العاده‌ای کرده‌ایم؛ چون جامعه‌ای خوشبخت است که آدم‌های با

متن آفرینی به
ساماندهی کردن
چیزهای پنهان شده از
دید ما، ربط دادن آن‌ها
و به شگفتی واداشتن
مخاطبان نیاز دارد. ذهن
خلاق می‌تواند متن
خلاق بیافریند

فرهنگ و متمدن داشته باشد. کنفوسیوس در تکمیل این موضوع سخنی دارد که می‌گوید: «اگر می‌خواهید یک سال راحت زندگی کنید، برنج بکارید و اگر می‌خواهید صد سال زندگی کنید، درخت بکارید و اگر می‌خواهید قرن‌ها و قرن‌ها راحت زندگی کنید، انسان تربیت کنید».

خوب دانستن زبان

از دیگر راه‌های پرورش نگارش خلاق، درک زبان است. کسانی که یک زبان را خوب می‌دانند و اصطلاحات، قواعد، نحو، عبارات و لغات

آن را به خوبی درمی‌یابند، نوشته‌هایشان نسبت به کسانی که از قواعد آن زبان بیزارند، به مراتب بهتر است. در روزگاران گذشته، نویسنده یا شاعر برای ورود به عرصه نویسندگی یا شاعری می‌بایست فنون مربوط به نویسندگی و شاعری را بداند. طالبان میدان نویسندگی یا شاعری باید با آثار بزرگان مأنوس می‌شدند تا می‌توانستند سری میان سرها در بیاورند؛ علاوه بر آن، می‌بایست معلومات متفرقه دیگری هم داشته باشند. از جمله: تاریخ ادبیات و ...

با وجود تحولات زبان، هیچ کس نمی‌تواند بدون پیروی اصول و قواعد زبان و سبک و کلام نویسندگان بزرگ، راه پرمخاطره نگارش خلاق را در پیش گیرد. نویسنده خلاق باید با آثار نفیس، گران‌مایه و پرمعنی ادبی خو بگیرد و آن‌ها را غذای پرورش روح نوشتار خلاق خود قرار دهد. بزرگان و دست‌اندرکاران مملکت ما باید به فکر زبان فارسی و توجه روزافزون به آن باشند و این دُر گران‌بها را دریابند. پرچم‌داران عالم سیاست باید به سخنان مقام معظم رهبری در توجه بیشتر به علوم انسانی به‌ویژه زبان و ادبیات فارسی عمل کنند و بدانند: گرت هواست که از یاد مردمان تروی زبان مادری خویش را مبر از یاد

تصویرسازی (متن تصویری)

اغلب در یک نوشته، تصویر صرفاً به قصد زینت متن فراهم نمی‌شود بلکه با هدفی مشخص مورد استفاده قرار می‌گیرد. تصویر ارتباط آفرینی می‌کند و ارزش آن برابر هزار کلمه است؛ زیرا انبوهی از اطلاعات را با شکلی موجز ارائه می‌دهد. در تصاویر، خزانه‌ای از اطلاعات وجود دارد که گاه ظرفیت آن بیش از یک نوشته است. تصویرسازی ما را از بیان دوباره مطالب در قالب کلمات بی‌نیاز می‌کند و کارهای خلاقانه‌ای می‌سازد.

معلم و دانش‌آموز در به وجود آوردن خلاقیت نوشتاری بهتر است نوشته خود را با تصاویر ماندگار سازند. «منظور از تصاویر، عکس، جدول، طرح و غیره است». ما معلمان باید در جهت خلاق بار آوردن

دانش‌آموزان و رشد مستمر آن‌ها تلاش کنیم و دانش پیشین آن‌ها را تقویت و اصلاح نماییم. در همین زمینه پویر می‌گوید: «رشد مستمر دانش‌آموزان را می‌توان عبارت از تصحیح و اصلاح دانش پیشین وی دانست».

اعتدال نوشتاری

اگر تطور نثر و تحول نظم فارسی را از هزار سال پیش بدین سوی در نظر آوریم، متوجه می‌شویم که در ابتدا ساده و مرسل بوده‌اند. ترکیبات پیچیده در آن‌ها راه نداشته و کلمات غیرفارسی در آن‌ها دیده نمی‌شد، یا بسیار نادر بوده است اما به تدریج تکلف، تصنع، تردافات، سجع و صنایع ادبی و در نهایت پیچیده‌گویی و بازی با کلمات در آن‌ها رواج پیدا کرده است. تصنع‌گرایی در قرن هشتم، نهم و دهم هجری قمری و حتی به دنباله آن تا قرن سیزدهم رواج داشت و حتی به اوایل مشروطیت نیز رسید. مشروطیت و تحولاتی که از این زمان در عرصه ادبیات به وجود آمد نویسنده‌گی را به سوی سادگی سوق داد. نویسنده نوشتار خوب باید خود را جزء پیکره مردم و جامعه بداند. وی باید حد اعتدال سادگی و روانی، اختصار و اطناب را در نوشته خود به درستی رعایت کند و به‌طور کلی، زیبا و شاعرانه، پرمحتوا و سرشار از جلوه و جلا بنویسد تا خواستاران فراوانی را جلب کند و به قول سعدی:

محقق همان بیند اندر ایل (شتر)

که در خوب‌رویان چین و چگل
در کتاب «چهار مقاله نظامی عروضی» مشهود است که «احمد ابن عبدالله سجستانی را پرسیدند که تو فردی خربنده (مسکری، کرایه‌دهنده ستور) بودی؛ به امیری خراسان چون افتادی؟» او سبب رها کرن خربندگی و رسیدن به مقام امیری و بزرگی یافتن را تأثیر این دو بیت «حظله بادغیسی» دانسته است:

مهتری گر به کام شیر در است
شو خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عز و نعمت و جاه
یا چو مردانت، مرگ رویاری
بسیاری از بزرگان دانش و معرفت انگیزه

اصلی نگارش را کسب رضایت خداوند دانسته و در نوشتن، پیوسته به رعایت انصاف و اعتدال توصیه نموده‌اند. ابن‌خلدون می‌گوید: «شیفته آن باش که دست‌ها و انگشتان تو مطالب سودمند و نیکی بنویسد که در این دنیای فریبده، یادگیری نیک از تو به جا ماند؛ زیرا در این روز رستاخیز و هنگام روبه‌رو شدن انسان با فرمان برانگیختن و حشر و نشر، همه کردارهایش در پیش او نمودار می‌شود» نویسنده خوب کسی است که در نوشتار، با رعایت جانب انصاف و اعتدال به این موضوع که نوشتار از گفتار مهم‌تر است، واقف باشد؛ زیرا گفتار ناصواب قابل اغماض است اما از نوشتار نادرست و ناصواب نمی‌توان گذشت.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج حاصل و مترتب بر آموزش شیوه‌های نگارش خلاق در این مقاله عبارت‌اند از:

۱. نویسنده‌گی فن یا هنری است که برخوردار از آن، پشتوانه ارزشمند زندگی اجتماعی، سیاسی، علمی، ادبی و... آدمی است و خلاقیت اصل انکارناپذیر نویسنده‌گی است؛ چون ذهن خلاق متن خلاق می‌آفریند. خلاقیت را باید به‌وجود آوریم نه خلاقیت ما را
۲. مطالعه و خواندن، تراوش ذهنی ایجاد نمی‌کنند. نوشتن حس و حال می‌خواهد و به قول مولوی:

در نیاید حال یخته، هیچ خام

پس سخن کوتاه باید والسلام

بیانگر این است. پس برای شروع نویسنده‌گی، باید حس نویسنده‌گی را تحریک کرد نه حس خواندن را. چه بسیارند کسانی که خوانده‌اند ولی یارای نوشتن ندارند.

۳. مشاهده خوب سکوت مرگبار را می‌شکند و سینه‌ها را صاف می‌کند. نوشتن هنری است که نمی‌توان آن را یاد داد بلکه باید به فردی که می‌نویسد گفت حالا که دیدی و نوشتی، نکات نوشتاری را هم رعایت کن.

۴. کسانی هستند که با وجود عذوبت نوشته‌هایشان جرئت خواندن آن‌ها را ندارند و این به دلیل باور غلط «بسد بودن» این

نوشته‌هاست. بهتر است این ترس و باور نادرست را از ذهنشان بزدایم.
۵. در عرصه نوشتار خلاق، معلم ادبیات به «کی بهتر از کی» نباید توجه کند و از نگرش ریاضی‌وار و فیزیک‌وار به نوشتار دانش‌آموزان خودداری کند و بگذارد بچه‌ها شاد بنویسند و بخنداند.
۶. زبان را باید خوب دانست و اصل گرت هواست که از یاد مردمان نروی زبان مادری خویش مبر از یاد را باید مدنظر قرار داد.
۷. اصل اعتدال نوشتاری (حد همین است سخن‌دانی و زیبایی) را سرلوحه نوشتن خود قرار دهیم.

منابع

۱. ابن‌خلدون، عبدالرحمن؛ (۱۳۵۹). سفرنامه، مقدمه ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: نگاه ترجمه و نشر.
۲. جلال‌الدین محمد، مولوی؛ (۱۳۷۵). مثنوی، به کوشش نیکلسون، با مقدمه و حواشی محمد عباسی. چاپ اول. تهران: سنا.
۳. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد؛ (۱۳۸۵). دیوان غزلیات، به کوشش خلیل خطیب رهبر. چاپ چهارم، انتشارات صفی‌علی‌شاه.
۴. حسینی کارونی، احمد، حمید و جعفر، حبیب‌تیرا؛ (۱۳۵۷). آیین نگارش و ویرایش ۱ و ۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.
۵. حسینی‌نژاد، سیدحسن؛ (۱۳۸۲). انشا، دیدگاه‌ها، روش‌ها. چاپ دوم. تهران: زرین.
۶. سجادی، علی‌محمد؛ (۱۳۷۶). صائب تبریزی و شاعران سبک‌های هند. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه پیام نور.
۷. شریعتی، علی؛ (۱۳۸۵). دفترهای سبز مجموعه اشعار و نثرهای شاعرانه. به کوشش محمدرضا حاج‌بابایی. چاپ ششم. تهران: نشانه.
۸. شفیعی‌کدکنی، محمدرضا؛ (۱۳۷۲). تازیانه‌های سلوک. چاپ یازدهم. تهران: آگاه.
۹. فتوحی، محمود؛ (۱۳۸۹). آیین نگارش مقاله پژوهشی. تهران: سخن.
۱۰. مرعشی، امیر؛ (۱۳۷۴). اصول نویسنده‌گی و فن نگارش. چاپ سیزدهم. تهران: رفا.
۱۱. مصری، محمد؛ (۱۳۵۶). بهشت سخن. تبریز: یزدانی.
۱۲. صلح‌الدین، سعدی؛ (۱۳۸۱). بوستان. تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ هفتم. تهران: خوارزمی.
۱۳. نظامی عروضی سمرقندی، ابوالحسن؛ (۱۳۸۴). چهار مقاله، به کوشش محمد قزوینی. تهران: طهوری.
۱۴. حری، عباس؛ (۱۳۸۰). آیین نگارش علمی. چاپ دوم. تهران: بهمن.
۱۵. آیین گزارش‌نویسی. چاپ دوم. تهران: بهمن.

16. Poper, Karl (1979). objvtiveknowledge. Oxford: clarendon